وقت مطالبه آرمان‌ها: اول

جامعه‌ی زنده و رو به حرکت، با "چالش" مواجه است. در حرکت است که چالش‌ها به سراغ انسان می‌آید. انسانی که در پای قله‌ی کوه ایستاده و از همان پایین، صرفا به قله نگاه می‌کند که با مسئله و چالشی مواجه نیست. در مسیر رفتن به سمت قله است که چالش‌ها به سراغ انسان می‌آید. چند صباحی از شکل‌گیری جامعه‌ی نبوی نگذشته بود که "جنگ بدر" بر آن تحمیل شد و پس از آن هم جنگ‌ها و چالش‌ها پشت سر هم. انقلاب اسلامی هم همین‌طور، ایران تازه از منجلاب زمان پهلوی نجات پیدا کرده و عزت یافته بود که درگیر آشوب‌های ساخته‌شده توسط گروهک‌های معاند داخلی شد. پس از آن، جنگ سخت نظامی با رژیم بعث آغاز شد و در عین حال، تحریم‌های اقتصادی که بعدتر ابعاد بیشتر و گسترده‌تری نیز به خود گرفت، از سوی دشمنان بر جامعه‌ی ایران تحمیل شد. این اما پایان ماجرا نبود و تا به امروز نیز، این چالش‌ها هم‌چنان ادامه دارد





معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره 80/ دوشنبه 25تیر ماه 1397**

**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**چرا آقای ولایتی پیام را به پوتین رساند؟**

****

سفر دکتر ولایتی به مسکو در چارچوب مباحثی در سطوح راهبردهای کلان بین طرفین صورت گرفته است. آنچه مسلم است سفر دکتر ولایتی به روسیه نشان می‌دهد که تلاش های دیپلماتیک سایر کشورها از جمله غربی ها و بازیگران منطقه و همچنین رژیم صهیونیستی از کارآیی لازم برخوردار نبوده است. بنابراین در بحبوحه رایزنی های دیپلماتیک به نوعی سفر دکتر ولایتی ابتکار دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود و در این برهه زمانی سوالی که مطرح است این می باشد که چرا آقای ولایتی این پیام را به پوتین رسانده است؟1 .شرایط حساس و پیچیده ای که جمهوری اسلامی ایران در تعاملات بین المللی از جمله مسائل منطقه‌ای ، جمهوری اسلامی تصمیم گرفته در سطوحی فراتر پیام خودش را منتقل کند. 2. ارسال این پیام و انتخاب دکتر ولایتی به عنوان مشاور رهبری به جای وزیر امور خارجه می‌تواند این پیام را داشته باشد که رابطه با روسیه برای جمهوری اسلامی ایران از توجه و اعتبار ویژه ای برخوردار است. به همین دلیل مقام معظم رهبری در چنین شرایط حساسی ارسال این پیام را به فردی واگذار کرده که از لحاظ جایگاه و منزلت فراتر از شخصیت وزارت امور خارجه قرار دارد که ممکن است در آینده دچار تغییر و تحول در دولت ها شود. به هر حال ولایتی به عنوان مشاور مقام معظم رهبری تقریباً جایگاه ثابت و مستحکمی در سال های گذشته داشته است. 3 .دیدگاه های آقای ولایتی نسبت به توسعه راهبردی نگاه به شرق هم نسبت به دیدگاه افرادی که تمایل بیشتری برای برقراری رابطه با غرب دارند باید در نظر داشت. دکتر ولایتی به عنوان فردی که پیام را رسانده قابل توجه می باشد چون معمولاً در مأموریت های دیپلماتیک فارغ از این که خود پیام چیست این که چه کسی حامل پیام هست دارای اهمیت می‌باشد؛

بنابراین انتخاب فردی که دیدگاه مثبتی نسبت به رابطه با روسیه و نگاه راهبردی به شرق دارد از این حیث قابل تامل می باشد.

**توهم مهار تورم با دلار ارزان**

****

دولت باید یک‌بار و برای همیشه بداند که تورم را با نرخ ارز نمی‌توان و نباید کنترل کرد. هزینه مهار تورم با ابزار نرخ ارز بسیار زیاد بوده و قطعا به اتلاف منابع ارزی خواهد انجامید. مهار تورم راهکار علمی خود را دارد به این ترتیب، بهانه تورم برای عدم قیمت‌گذاری ارز در بازار تنها ابزاری است که بتوان به کمک آن از ناکارآمدی سیاست‌گذاری اقتصادی دفاع کرد، به هر حال با توجه به وضعیت اقتصادی مردم، نقش کالاهای اساسی در تامین ضروریات زندگی انکارناپذیر است، پس سیاست‌گذار بحق نگران این موضوع است که با سپردن قیمت‌گذاری ارز به بازار، قیمت این کالاها، که اغلب وارداتی هستند، افزایش خواهد یافت و بسیاری از مردم در تهیه آنها دچار مشکل خواهند شد. راهکار اقتصادی در این شرایط، تخصیص و قیمت‌گذاری ارز توسط بانک مرکزی نیست، بلکه تخصیص یارانه به واردکننده این کالاها است. سیاست‌گذار باید قیمت‌گذاری ارز را به بازار بسپارد و در عوض، در صورت صلاحدید، به واردکنندگان کالاهای اساسی که واردات را با ارز یک قیمتی بازار انجام داده‌اند، پس از واردکردن کالاها و تسلیم برگه‌های گمرکی، یارانه‌ را به شکلی بپردازد که قیمت نهایی این کالاها برای اقشار مردم قابل تحمل باشد. به این ترتیب، سیاست‌گذار، ارز را تک‌نرخی می‌کند، دخالتی در بازار ارز ندارد، از پیداشدن قارچ‌گونه فساد در معاملات ارزی و تخصیص ارز جلوگیری کرده است و مهم‌تر اینکه دقیقا یارانه را به گروه کالاهایی اختصاص داده است که از ابتدا درصدد مهار قیمت آنها بوده است. متاسفانه پیش‌بینی‌ها و گزاره‌های علم اقتصاد را یا قبول می‌کنیم و به‌کار می‎بریم، یا این گزاره‌ها بر ما تحمیل می‌شوند و البته چندان به اینکه این گزاره‌ها خوشایند ما هستند یا نه، ارتباطی ندارند.

راهبرد «بقای خروج‌پذیر»



به رغم خروج آمریکا از برجام مذاکره میان ایران و کشورهای اروپایی برای حفظ مهم‌ترین دستاورد دیپلماتیک اتحادیه اروپایی همچنان ادامه دارد. بارصد مطبوعات و ماهنامه‌های داخلی و اظهارات مقامات اروپایی و آمریکایی گویای این هشدار است که آمریکا با همکاری اروپا و حامیان آنها در داخل خطوط القایی مشخصی را دنبال می‌کنند که باید با دید تامل در آنها نگریست. در این باره ارائه پیشنهادات و راهکارها، راهبرد «بقای خروج‌پذیر» با تکیه بر تعامل مجلس و دولت معرفی و ارائه می‌شود.پیشنهادات و راهکارهایی که در مقابل خطوط القایی دشمن باید به آنها توجه کرد، از این قرار است:.1- تکیه به ظرفیت‌های داخلی و حل مشکلات داخلی تضمین‌کننده قدرت چانه‌زنی در بیرون است.2- هرقدر دولت خود را مشتاق‌تر به حفظ برجام نشان دهد، احتمال نابودی کامل آن و هزینه آن برای ما بیشتر خواهد شد.3- طرف

 اصلی ایران در حفظ برجام که ظرفیت‌های اقتصادی قابل ارائه و اتکا دارد چین، سپس روسیه و کشورهای همسایه ایران هستند. 4- ایران یکی از مهم‌ترین مسیرهای راهبرد «یک کمربند، یک جاده» چین است؛ راهبردی که اصل اساسی سیاست‌های سیاسی ـ اقتصادی چین در آینده را شکل می‌دهد. در عین حال یکی از راهگشاترین تصمیمات ایران برگرفته از تعامل دولت و مجلس است به این صورت که همان رفتاری را که آمریکایی‌ها در زمان حضور ظاهری‌شان در برجام داشتند با آنها انجام دهیم. بر این اساس ، ایران «خروج بازگشت‌پذیر» نخواهد داشت و به جای آن راهبرد «بقای خروج‌پذیر» را اتخاذ می‌کند. به موجب این طرح پیشنهادی، مجلس دولت را مکلف می‌کند در بازه‌های زمانی 180 روزه نحوه عمل به تعهدات برجامی و بسته پیشنهادی، توسط اروپا را بررسی و به مجلس گزارش دهد. مجلس شورای اسلامی نیز با بررسی گزارش دولت بقای ایران در برجام را تایید یا لغو خواهد کرد.با تحقق این راهکار پاسخ ایران به ماندن یا نماندن در برجام یک پاسخ دفعی و قطعی نبوده و به تناسب عملکرد طرف اروپایی و حفظ منافع ملی، ایران می‌تواند بر اساس تعامل دولت و مجلس از برجام خروج کرده و به این ترتیب از بن‌بست برجامی رهایی یابد، ضمن آنکه از تبعات ایران‌هراسی و فشار روانی «خروج بازگشت‌پذیر» در امان خواهد بود.

دیپلماسی فرا دولتی برای ایجاد تعادل در مذاکرات برجامی



در شرایطی که روحانی بنابرگرایشی که از گذشته به اروپا داشته‌اند و در سال 82 در توافق سعد آباد با مدیریت روحانی نمود پیدا کرد، پس از خروج ترامپ از برجام بار دیگر به کشورهای اروپایی تکیه کرده و تمرکز مذاکرات خود را بر ظرفیت مشخص این ضلع از توافق گذاشته است، در روزهای اخیر بخش دیگری از ظرفیت دیپلماسی کشور که در رده فراتر از دولت تعریف می‌شود پا به عرضه رایزنی‌ها و مذاکرات سیاسی و اقتصادی با ضلع دیگر و قدرت‌های شرقی حاضر برجام گذاشته‌اند تا توازن را دیپلماسی تک محوری دولت بازگردانند.بدین منظور در روزهای پایانی هفته گذشته علی اکیر ولایتی مشاور امور بین‌الملل مقام معظم رهبری در مقام فرستاده ویژه رهبری به مسکو رفت و با ولادیمیر پوتین رایزنی‌های مهمی را صورت داد که خروجی آن تفاهم‌های جدید در حوزه اقتصادی، تجاری، امنیتی و سیاسی با مسکو بر مبنای شرایط جدید و خروج آمریکا از برجام بود. یک کارشناس بین المللی در این رابطه با اشاره به لزوم تقویت دپیلماسی کشور در حوزه شرق می‌گوید: یکی از راهبردهای ایران در برابر قلدرمآبی آمریکایی‌ها همسویی و پیدا کردن اشتراکات با مخالفان سیاست‌های این کشور است. بسیار روشن و واضح است که ما در این شرایط می‌بایست برای مقابله با قلدری‌های آمریکا کنار کشورهایی قرار بگیریم که با آمریکا درگیر هستند، البته اروپایی‌ها هم با آمریکا درگیر هستند، اما آنها هم در مجموع در کَمپ غربی‌ها تعریف می‌شوند و نمی‌توان خیلی روی آنها حساب باز کرد.

**دست‌های خالی نتانیاهو از مسکو تا هلسینکی**

****

جدا از پیروزی‌های ارتش سوریه در جبهه جنوبی و تقویت امید‌ها برای تکرار چنین پیروزی‌هایی در جبهه شمالی، دو موضوع دیگر هم در ارتباط با ابعاد خارجی بحران سوریه در روز‌های اخیر خبرساز شده است ؛ نخست سفر اخیر نتانیاهو به روسیه و دوم دیدار پوتین و ترامپ در هلسینکی و جایگاه بحران سوریه در آن است. درباره سفر نتانیاهو باید گفت: با وجود تبلیغات سنگینی که راه انداخته بودند و از امکان بده و بستان میان روسیه و رژیم صهیونیستی درباره نقش ایران در سوریه سخن گفته بودند، هیچ نشانه‌ای که ناشی از وجود چنین بده و بستانی باشد مشاهده نشد.در خصوص نشست هلسینکی نیز باید گفت: هرچند درباره این نشست تبلیغات زیادی صورت گرفته است اما با توجه به گستره وسیعی از موضوعاتی که میان دو طرف از مسائل داخلی امریکا و نقش روسیه در انتخابات امریکا گرفته تا رویارویی با اتحادیه اروپا وجود دارد، بعید به نظر می‌رسد بحران سوریه نقش محوری در این نشست داشته باشد و اگر هم بحث سوریه در میان باشد مقامات روسیه حرف زیادی برای گفتن دارند. از جمله اینکه حضور امریکا در سوریه غیرقانونی است و علاوه بر این سوریه برای بازسازی کشور و بازگرداندن آوارگان نیاز به حضور در مناطق شمالی و نفت‌خیز دارد تا بتواند بخشی از هزینه‌های بازسازی را تأمین کند. از این‌رو به نظر نمی‌رسد نشست هلسینکی بتواند انتظارات رژیم صهیونیستی و دیگر عوامل پروژه ناکام براندازی را از آن تأمین کند و حداکثر نتیجه این نشست برای این عوامل وعده‌هایی خواهد بود که به عرصه سیاسی محدود خواهد شد.

**عربستان و گذار تدريجي از اوپك**

****

وزير انرژي عربستان اعلام كرده كه «وظيفه كميته مشترك وزيران انرژي اوپك و غير اوپك نه كنترل كردن ميزان توليد هر كشوري بلكه تنظيم كل توليد نفت است.» از اين سخن، چهار برداشت مي‌توان كرد: اول، اوپك ديگر به تنهايي تنظيم‌كننده بازار جهاني نفت نيست. كشورهاي ديگر از جمله امريكا و روسيه نيز به عنوان توليدكنندگان و بازيگران مهم، حضور دارند و بايد نظر آنها را لحاظ كرد. دوم، قدرت اقتصادي كارتل نفتي اوپك، در قيمت‌گذاري انحصاري معطوف به منافع تك‌تك اعضاي آن بايد تضعيف شود. آنچه اهميت دارد تامين انرژي مورد نياز در سطح جهان است. يعني هماهنگي بيشتر با اقتصادهاي صنعتي تا اقتصادهاي نفتي. سوم، جايي براي نگراني بابت كاهش صادرات نفت ايران بر اثر تحريم‌ها وجود ندارد؛ اعمال فشار اقتصادي با هدف سياسي. چهارم، اما، عربستان در پي تغيير صف‌بندي خود نيز هست. جدا شدن تدريجي از صف اقتصادهاي نفتي توسعه‌نيافته يا تك‌محصولي و پيوستن به اقتصادهاي صنعتي؛ عربستان اقتصاد بدون نفت را براي سال ۲۰۳۰ ميلادي هدف‌گذاري كرده است. درآمد ارزي صنعت گردشگري زيارتي و غير زيارتي و

صنعت پيشروي پتروشيمي آن قابل توجه است. در حال شكل دادن به زيرساخت سرمايه انساني به عنوان مهم‌ترين عامل بازسازي ساخت اقتصادي است. اگر اين كشور دچار تلاطم‌هاي بي‌ثبات‌كننده‌اي بر اثر اصلاحات اجتماعي و اقتصادي و تغييرات در ساخت قدرت و منازعه‌هاي داخلي مترتب بر آن نشود، به احتمال زياد، به‌تدريج پرچم جدايي از اوپك يا سازماندهي همه توليدكنندگان، در چارچوبي واحد، را برخواهد افراشت. در اين‌صورت، وزن كشورهايي كه با نظم اقتصاد جهاني ناسازگار باشند، در تصميم‌سازي نفتي كمتر خواهد شد و كارتل نفتي جهاني جديدي شكل خواهد گرفت.

